**مصاحبه با JKPrivateKabul110618**

**تاریخ 11 جون 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: تشکر از این که سهم گرفتید ده این تحقیق. سوال اولم این است که وظیفه ی شما چیست ده این شرکت؟

JKPrivateKabul110618: مه منحیث رییس شرکت استم.

ک: شرکت چی تعداد کارگر داره رییس صاحب؟

JKPrivateKabul110618: این خو تقریبا فعلا خو تا 25 نفر کارگر داره. حال آن که کارها بیخی پس مانده و ایستاد اس. و اگه کارها پیش بروه و صنعت ما پیش بره، این شاید تا 100 نفر ره هم ما گنجایش داریم که [قطع]

ک: وقتی که بیشترین تعداد کارگر ره شما استخدام کرده اید چند نفر بوده؟

JKPrivateKabul110618: تقریبا اینجه خو ما از یک حالت بسیار مشکل تیر میشیم و چیزی که ما شروع کرده بودیم به کدام یک [اراده و آرزومندی] افسوس بگوییم که دیگه به همو نتیجه نرسیدیم و همو چیزی ره که ما تارگیت کرده بودیم او نشد و به او نرسیدیم.

ک: یعنی بیشترین تعداد کارگر چند بوده وقتی که شما [قطع]

JKPrivateKabul110618: بیشترین تعداد کارگر وقتی که ما شروع کردیم تا 31 نفر کارگر داشتیم.

ک: کارگرها ماه به ماه معاش می گیرند، قرارداد دارند، یا چی رقم اس؟

JKPrivateKabul110618: نی! این ها هر ماه معاش می گیرند. باز بعضی مردم این طور اس که بسیار غریب هستند و آنها می گویند که هر هفته ما ره پیسه بتی باز آخر ماه حساب کنید.

ک: اینها قرارداد وضع می کنید همراه اینها، دایمی هستند این کارگرها؟

JKPrivateKabul110618: نی تقریبا یک معاهده اس یا اگریمنت اس. مطابق همو مردم کار می کنند. و هیچ کدام مشکلی نیس. کار کرده میرن. و این که اگه ده بین کدام مشکل پیش می آیه و مطابق همو لایحه ی عمل کار نمی کنند – شرکت هم یک لایحه ی عمل داره که این قدر وقت از این وقت شروع می کنی و این وقت رخصت میشی، این کارت اس، این وظیفه ات اس – مطابق همو اگه کار می کنه ما کتی مردم هیچ وقت مشکل پیدا نکرده ایم و نداریم. و این که مطابق خواست شرکت و مشکل شرکت او کار خوده ادامه نمیته، باز خیر الله خیر رخصت اس [گویش پشتو].

ک: تولید به چی شکل اس؟ با دست، با ماشین، نیمه اتومات، کاملا اتومات؟

JKPrivateKabul110618: نی! کاملا اتومات نیس. بعضی کارهای این با دست هم اس. تقریبا ماشین هم اس. تقریبا 75 فیصد کارش سر ماشین اس. همو 25 یا 20 فیصدش سر دست اس.

ک: نرخ اوسط یک کالای تولیدی؟

JKPrivateKabul110618: این طور اس که این بسیار اشکال و اجناس داره. لینِ برق ره ما تولید می کنیم. شاید شما دیده باشید اینجه. و این که اس از 160 افغانی شروع میشه و الی 10 هزار افغانی یک گرد بندل ‌اش اس. او باز کیفیت اش اس، لین ‌اش، مقدارش، که چقدر زور باید داشته باشه، چقدر ولتاژ باید برداشت کنه. از همی سولر [solar] گرفته. گروپ سولری بسیار کار معمولی و کم زور و ابتدایی کار داره. ده مقابل او که شما از یک خانه به دیگه خانه، برق ره تیر می کنید ده یک شرکت، ده بین این بسیار فرق می آیه. حد اوسط این ره ما تعیین نکرده ایم که حد اوسط قیمتش چیست.

ک: به اساس سفارش یا پیش‌تولید؟

JKPrivateKabul110618: برای پیش همی رقم بود که ما تولید ره قسمی می کردیم که عیار بود.

ک: ده ستوک پور می کردید؟

JKPrivateKabul110618: ها ده ستوک پر می کردیم. باز او کار برای ما بسیار نقصان کرد به این که نیم سرمایه ی ما از بین رفت. چرا که اینجه یک قسم مقابله اس و اصل مشکل که اس از طرف ایران و پاکستان اس.

ک: رقابت؟

JKPrivateKabul110618: رقابت ده ضمن افغانستان [ده مقابل افغانستان] پاکستان و ایران اس. حالی ده اونجه دولت از تاجر خود و از کارخانه ی خود پشتیبانی می کنه، او ره نقصاناتش پوره می کنه، اونجه برقش پوره می کنه. حتا این چیز هم ده نظر خورده که همو چیزه که ده افغانستان به 120 افغانی فروخته میشه، همو چیز به 125 روپیه تمام میشه [مصرف تولیدش]. همی که از پاکستان می آیه همو خرج و کرایه و برایش میگه [گفته میشه] که برادر شما این ره به 100 روپیه به افغانستان روان کو! همی 25 روپیه نقصان کارخانه دار ره دولت میته. به خاطری که همی صنعت افغانستان بنشینه. و این بالا نشوه. و پس همی افغانستان و مردمش طرفِ ما متوجه شوه [به ما متکی شوه]. همی، هذالقیاس، ایران هم همین طور اس.

ک: با دولت ده قسمت تعرفه و اینها داخل مذاکره شده اید؟

JKPrivateKabul110618: بله بسیار، چندین دفعه! انجمن ره هم گفتیم و حتا ده وزارت کار و امور هم رفتیم و همراه معین صاحب هم ده این باره گپ زدیم و این ره هم برایشان گفتیم که ما مجبور هستیم از بی توجهی شما مردم ما جعل‌کاری می کنیم. ما مال به نام ایران تولید می کنیم، ما مال به نام ترکی تولید می کنیم، ما مال به نام جرمنی و جاپان تولید می کنیم. خو اصلا مشکل از حکومت اس. بی توجهی اس. چرا که او کمپین نمی کنه. اول باید همی حکومت همی شعبات خوده با این مجبور بسازه که از شرکت داخلی استفاده کو. به شکل کوپون هم اینها میتانه که همی تولید افغانستان [ره استفاده کو]. این مربوط صرف به تولید مه نیس! این ره الحمدالله شکر اس که 1100 یا 1200 شرکت اس ده کابل. این کل چیزها ره تولید می کنه، می سازه. همی اجناس اس. این اگه به شکل کوپون یا به هر شکلی که باشه، نیمه تنخواه، همی اجناس داخلی ره سر مردم توزیع کنه، اینجه کارهای مردم هم پیش میره و ما هم پیش میریم. صنعت ما هم پیش میره. خو به هر حال، باز هم یک بار می گوییم که افسوس می کنیم که همو مقام حکومت ما پوره توجه سر صنعت ما نمی کنه. حالی رییس جمهور ما مخلص اس بسیار توجه می کنه، انتهایی! لیکن یک 15 روز پیش ما رفته بودیم صراف خانه [؟] ده هفته ی صنعت ده همو چیز [محفل یا جشنواره] اشتراک کردیم همین [نام نفر] که رییس انجمن صنایع ما هم که اس همین طور راستا و [نام شخص] هم به رییس جمهور گفت که "او رییس جمهور شما خو اینجه احکام جاری می کنید، خو این که از دروازه بیرون یک عسکر هم او ره قبول نمی کنه!" "از او ما کار گرفته نمیتانیم. پشت او شما باید یک کمیته ای ره جور کنید." همین که یک ماده ره کشیده مثلا هیچ کس ده دفاتر دولتی تاجر ره اذیت کرده نمیتانه. چرا؟ چرا که تاجر بی تعلیم اس. هر قدر تاجری که اس شما سروی کنید. اگه 1000 تاجر شما ببینید 950 اش بی تعلیم اس. او نمی فهمه این چیزها ره. او که این دفاتر میره و این قدر اذیت میشه و این قدر اذیت میشه که از حد [بیرون]. خو رییس جمهور برای این یک ماده ای به نام 01 کشید. که هیچ کس نمیتانه که یک تاجر یا صنعتکار ره ده دفاتر دولتی اذیت کنه. لیکن تا هنوز حتا یک فیصد هم عمل نشده. ده هیچ دفتر! از او بدتر هم شده.

ک: پس تولیدات شما فعلا به اساس سفارش اس؟

JKPrivateKabul110618: بله! حالی خو ده این وقت ها باز ما که همو ستوک ره که بسیار کلان کردیم باز ده نیم بیمت فروخته میشد. از او بعد ما ستوک بند کردیم. حالی که کس می آیه و فرمایش میته، مطابق همو ما مالشه جور می کنیم.

ک: پروژه اس چی اس؟

JKPrivateKabul110618: هر کس که بیایه. اکثر پیش ما دکاندارها می آیه.

ک: خریدارهایتان دایمی استند؟

JKPrivateKabul110618: مطابق نرخ اس دیگه اگه جور آمدیم دایمی اس اگه نی دیگه می آیه.

ک: منظورم این است که شما به اوگرایی می فروشید یا نقد می فروشید؟

JKPrivateKabul110618: به اوگرایی هم اس. بدون اوگرایی هم نمیشه. خو بعضی این طور است که ما پیش از المونیم لین جور می کردیم. او از چین درآمد [وارد] میشد. او یک دفعه گرفت [خرید] تا اینجه رساندنش تقریبا 3 ماه در بر می گرفت. همین که ما برایتان گفتیم که همین قدر پیسه که داشتیم کلش ده خصاره رفت. حالی این قدر بودجه نداریم. به حکومت چندین بار گفتیم که ده مورد مواد خام کتی همراه همی شرکت ها حمایت کن [کمک کن] که او مشکل اش سه چیز اس. و به دولت فایده هم می کنه. این که ما از یک تاجر عام می گیریم اینجه، دولت چرا به این توجه نمی کنه [خود نمی خره و به اختیار ما نمی گذاره]؟ این ریزن اس، دی.او.پی اس، چالک [chalk] اس، کلسیم اس، مثلا المونیم اس که از چین می آیه، ده این موارد اگه حکومت توجه می کرد نی بسیار شرکت ها پیش می رفت. چرا که حکومت سرمایه داره. یک ان.جی.او خو سرمایه داره. او ره ده کار بیاندازه که شما همی چیزها ره [همین مواد خام ره] با صنعت کارها همکاری کنید [برای دسترسی شان]. باید شرط نبیاره ده بینش که نیس.

از او خاطر که افغان های ما یک ماه یا دو ماه مال بند میشد، مال پیدا نمیشد، باز او کار ره ما آهسته آهسته ایلا [رها] کرده ایم و حالی مس ره جمع می کنیم، همی مس کهنه ره از همی افغانستان، او ره باز دوباره لین ره جور می کنیم، او ره کش می کنیم مطابق خواست مردم. هر قدر اندازه ای که او میگه همو ره پس برایش تار [تار مسی] جور می کنیم و میتیم برایش.

ک: بیشتر اوگرایی اس یا نقد؟

JKPrivateKabul110618: حالی تقریبا کارهای اوگرایی ره ایلا [رها] داده ایم. کم کم اس. با دکاندارهای که ما او ره می شناسیم خوب صحیح. چرا که پیسه ی ما تقریبا تا 80 لک روپیه ی ما ده تمامی افغانستان گم اس. و به هر کس که زنگ می زنی اول خو تلیفون نمی برداره. باز که برداره جنگ اس و فلان اس و خانه ی مه مریض اس و یک صد بهانه جور می کنن و خلاص. حالی ما خو پشت هر کس رفته نمیتانیم. کجا برویم؟ کندز برویم، تخار برویم، مزار برویم، هرات برویم؟

ک: سرمایه ی اولیه از کجا به دست آمد؟ قرض بانک بود، بودجه دولت، ان جو او کمک کرد؟

JKPrivateKabul110618: نه! نه ان.جی.او کتی ما کمک مالی کرده نه از کدام بانک قرض گرفته ایم. این پیسه ی شخصی ما بود. و تقریبا به تعداد دو و نیم لک دالر که پیش هم ما ده پاکستان همین کار ره پیش می بردیم، ما مهاجر بودیم، و همونجه به اندیوالی یک افریدی که همراه ما شریک بود و فعلا هم کتی ما شریک اس، ده 2015 ما همی کارخانه ره از پاکستان انتقال دادیم اینجه. به خاطر این که یکی وطن ما اس و دیگه این است که شاید همین کار اونجه پیش بره [به این تصور ما آمدیم]. اما به جای که پیش برویم بسیار پس رفتیم. چرا که هیچ کس توجه نمی کنه. هر کس اینجه ده کمین اس. حکومت اس، رعیت اس. هیچ کس این طور نیس که به یکدیگر همکاری کنه. هیچ کس! هر کس ده همی کمین اس که ده کجا یک 100 دالر ره بزنه یا 1000 روپیه ره بزنه. خلاص، همین طور کار اس.

ک: شما چرا فکر کردید که ده اینجه مثلا کارتان شاید بیشتر رشد کنه؟

JKPrivateKabul110618: چون دو مشکل داشت: یکی خو ما اونجه مهاجر بودیم. و هیچ دیگه مصون هم نبود و درجات و ثواب و هجرتی هم که بود او هم به پایان رسیده بود. و مملکت خوده الحمدالله به صفر رساندیم. گفتیم بیا پس برویم افغانستان چون یک مملکت نو آباد اس و هر چیز ره بیشتر ضرورت داره. به همی خاطر همی شرکت و کارخانه ی خوده از اونجه انتقال دادیم به اینجه. که تا کار ما بیشتر شوه.

ک: اونجه هیچ شعبه ای نمانده؟

JKPrivateKabul110618: بله! همه چیز خانه و هر چیز ره آوردیم ده افغانستان اس.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت؟ ماشین آلات و تعمیر و چیزهای که [قطع]

JKPrivateKabul110618: والله این طور اس که این شرکت که اس مشترک میباشه. این ده بین چندین نفر شریکت می باشه. مه شخصا ده این و شریکت ما دو نیم لک دالر ده همو ابتدا ما ماندیم. سرمایه. این که حالی معلوم نیس که یک لک‌اش هم مانده یا نمانده به خدا معلوم اس. خو ای طور اس که اینجه مطابق لین دین [؟] اس کار. قسمی که ما اوگرایی می کنیم، آنهایی که مواد خام می آورند آنها هم اوگرایی می کنن، به همی خاطر ما این ره می گوییم کار مشترک. خو همین که مردم کتی یکدیگر مشترک میشه باز ده همو کارهای کلان باید دولت کتی ما شریک شوه.

ک: معاش کارگرها ده چی حد اس؟ از شاگردها؟

JKPrivateKabul110618: ستاذهای شرکت که اس بچه های خودم اس. همگی اوستاذ هستند. لیبر عمومی [general labor] هشت هزار تا ده هزار همین تنخواه دارن. بچه ها دیگه هر قدر که بگیرن بگیرن دیگه!

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه صنعتی هم اس؟

JKPrivateKabul110618: بله!

ک: عضویت بده شما کمک کرده؟

JKPrivateKabul110618: ما عضویت هم داریم و حق العضویت که 14 هزار افغانی میشه او ره هم هر سال تحویل می کنیم. دیگه کمکش ره خو ما ندیده ایم خو همی یک اتحادیه اس به نام اتحادیه که به پولیس و ادارات و امنیت و مزدور که ما ره تنگ می کنه، ده ضمن برق [...] چندین بار همی رییس صاحب ما ریس اتاق صنایع بسیار انتهایی مخلص انسان اس. بسیار کوشش می کنه. [نام اشخاص] بسیار و بی حد کوشش می کنن. خو خودشان هم صنعتکار هستند. ده دست اونها از حکومت چیزی نیس که از آنها بگیره و به ما بته. این یک اتحایده ره به خاطری جور کرده اند که بیادر همو آواز خوده تا به همو مسؤلان برسانیم. این که افغانستان یک دولتی اس که اینجه صدا هیچ کسی ره نمی شنوند، او دیگه گپ علایده اس.

ک: چند سال اس که شرکت فعال اس؟

JKPrivateKabul110618: اینجه تقریبا 2 سال شد.

ک: قبلا ده پاکستان چند سال؟

JKPrivateKabul110618: او تقریبا 11 یا 12 سال بود.

[مزاحمت]

ک: چی تغییراتی ده زندگی تان آمده بعد از این که وارد کار صنعت شده اید؟ مثلا سوال اولم این است که پیش از این که کار تولید ره ده پاکستان شروع کنید حتما یک کار دیگری می کردید، ده وقت فراغت چی می کردید؟ برای چکر چی می کردید؟ چی عادت هایی داشتید؟

JKPrivateKabul110618: ده پاکستان؟

ک: بله

JKPrivateKabul110618: والله این طور اس که مه نه اونجه وقت تفریح ره پیدا کردیم نه اینجه ده افغانستان.

ک: پیش از این که کار تولید ره شروع کنید چی می کردید؟ چی مصروفیت داشتید؟

JKPrivateKabul110618: پیش از او ما از چین بوت می آوردیم. تاجر بودیم. و ده همی تجارت همی طور بود که ما تمام روز یا تمام شو ده تفریح هستیم. و دیگه تفریح هم ضرورت نداریم. چرا که او طور وقت هم شده بود که ما یک هفته هم ده سفر مانده ایم. وقتی بود که ما از راه گلگیت و باتسان و از راه موتر می رفتیم چین. او تقریبا ده همی راه 3 تا 4 روز سفر بود تا اورومچی. از اونجه باز ده ریل می نشستیم و تا شنگهای 8 تا 9 روز سفر می کردیم. از این دیگه بهتر تفریح نبود که ما می کدیم.

ک: بعد از این که کار تولید ره شروع کردید چی تغییراتی آمد ده وضع زندگی تان؟

JKPrivateKabul110618: والله اونجه او طور بود که حالات مهاجرت هم بود. و ما خو از صبح که می رفتیم به کار خود همو طرف های شب – مثلی که حالی هستیم – فارغ میشدیم. این قدر مانده می شدیم که طرف تفریح [...] کدام روز کدام پارک رفتیم یا روزهای کتی دوست ها رفتیم کدام جای. یا عروسی یک کسی بوده یا همین طور، کدام خاص پروگرام نداشتیم. بدون خوردن نان که شب که نان می خوردیم، یک ده دقیقه هم ده بغل سرک پیاده گردی می کردیم و پس می آمدیم.

ک: یک فامیل دارید یا چند فامیل؟

JKPrivateKabul110618: یک فامیل دارم.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

JKPrivateKabul110618: بله. ما [مکث] کتابه بسیار می خواندیم خو حالی یک قسم تکلیف چشم هم پیدا کرده ایم و تکلیف اعصاب هم. حالی که یک کمی می خوانیم چکر می زنه سر ما. و ما مطالعه اخباره زیاد می کدیم چون اونجه اخبارات کلش اردو بود. و حتا این طور هم شده که صبح ما خیستیم 8 کیلومتر پشت موترسیکل رفته ایم پُشت 5 روپیه اخبار. اخباره گرفته پس آمدیم. بدون او وقت مه تیر نمیشد. همی یک چز لازم بود. که اخبار نمی گرفتیم دیگه خلاص زمین و آسمان سر ما یک میشد.

ک: تصویر خود و مرد از جایگاه مالی؟ سرمایه دار و پولدار، متوسط، مرفه، یا فقیر؟

JKPrivateKabul110618: ما الحمدالله خوده ده همی طبقه ی درمیانه ره بگوییم، اوسط، ما خوده ده همو طبقه ی اوسط فکر می کنیم. و این که ده افغانستان مردم بسیار بیچاره اس [فقیر اس] بسیار غریب اس، الحمدالله از بسیار مردم وضعیت زندگی ما و حالت ما و وضعیت زندگی اولادهای ما الحمدالله خوب اس. بسیار احساس خوشی می کنیم. و این که بعضی از مردم که در دولت هستند و او به حساب روز ده هزار و 20 هزار دالر پیدا م یکنه و یک لک دالر پیا می کنه، و جایداد و بلندمنزل، مه او ره هیچ وقت فکر هم نکرده ایم. گفتیم که این عادی اس. این یک قسمی اس که چور اس و چپاول اس و غصب اس! حق مردمه می خورند. این پیش خدا هم شرمنده هستن و پیش ملت هم اس، مه هیچ وقت طرف او به خوبی ندیده ایم. اما به محنت خود [کمایی می کنیم] و الحمدالله بسیار خوش هستیم، ها. و خوده متوسط فکر می کنیم.

ک: تحصیلات ده چی حد اس؟

JKPrivateKabul110618: تحصیلات ابتدایی ده پاکستان و تحصیلات اکادمیک پولیس ره خواندیم، لیسانس هستیم. و او هم ده پاکستان کردیم از یک تنظیم استاد ربانی که جمعیت اسلامی نام داشت، و اونجه اکادمی پولیس بود و مه ده 1371 از او اکادمی پولیس، ببخشید، 1991 ... همو 1371 که 1991 می آیه، ما فارغ شدیم بعد از او کابل آمدیم. یک 5، 6 ماه یا 7 ماه وظیفه کردیم. حالات معلوم نبود، مادون نبود، افسر نبود، زور زوری بود، هر کس دیگه، باز جنگ های بسیار شدید شد، حتا یک هم صنفی ما بود به نام [نام شخص] ما او وقت ده سفارت اندنیزیا وظیفه داشتیم و او رفیق ما بود پای او هم از بین رفت. و یک ساعت قومندان تولی ما که حبیب پنجشیری نام داشت چندین بار او ره تلیفون دیجیتلی که بود کتی ما برایش زنگ زدیم که موتر ره بیار گفت نمیشه. او ره کش کده کش کده تا شفاخانه جمهوریت بوردیم. بعد از او ما هم نفهمیدیم که او مرد یا زنده ماند خو تا شفاخانه رساندیمش. و بعد از او ما هم صلاح و دریشی و هر چیز خوده به همو قومندان حبیب حواله کردیم که ما [...] یک آدم ما می مره شما از دفتر موتر ره روان نمی کنی. مطلبش چیس؟ همو که رفتیم پس پاکستان به همو کار خود شروع کردیم.

ک: فعلا ده کدام نقطه ی شهر؟

JKPrivateKabul110618: فعلا ما ده همی شهرک گلوبل میگن طرف قصبه پشت میدان هوایی.

ک: قبلا کجا زنگی می کردید؟

JKPrivateKabul110618: ما که از پاکستان که آمدیم همینجه هستیم هیچ شور نخورده ایم.

ک: اگه وقتش را داشته باشید [سه گزینه]

JKPrivateKabul110618: این طور اس که شوق نداریم. و اکثر که ما وقت پیدا کنیم ما به آببازی می رویم یا سونا که همونجه خوب ما ره سکون هم می آیه! همو آب گرم و یخ اش هم معتدل می باشه. اکثر ده ای کابل ما سونا می رویم. دیگه طرف های قرغه و این چیزها دیگه عمرم هم نیس و دیگه شوقش هم نمی آیه که ما اونجه برویم. بس شوق ما همی اس که ازینجه که برآییم راست خانه میریم و از خانه ی خود دفتر می رویم.

ک: اطفال مکتب خصوصی یا دولتی؟

JKPrivateKabul110618: اولادهای مه خو دو دانه از پوهنتون فارغ اس از مکتب دوازده. یکیش لیسه ی هیواد میره او دولتی نیس شخصی اس [مکث طولانی]. و دو اولادهای ما ده مکتب شیخ زاهد اس که او دولتی اس. و یک دختر خورد که داریم او هم ده شخصی اس، به نام نهضت یک مکتب اس.

ک: شیخ زاهد نام مکتب اس؟

JKPrivateKabul110618: بله

ک: برای ایجاد شرکت کی ها به درد خورد؟ اعضای فامیل، دوست، اقارب، اعضای جامعه، قوم و محل؟

JKPrivateKabul110618: ده ضمنِ ساختار شرکت؟ [برای ایجاد شرکت]؟

ک: بله ده همو اول!

JKPrivateKabul110618: خو این طور بود که ما پیش کار تجارته می کردیم. همین یک آدمی که به نام [نام شخص] که کتی ما هنوز هم شریک اس، کتی همو ما ده دفتر می شیشتیم ده لاهور. باز ای یک روز گفت که این طور کنیم که یک کارخانه ره جور می کنیم. همو منصوبه [تصمیم] شخصی ما بود و از همونجه کار خانه ره جور کدیم.

ک: انگیزه یتان از همونجه شروع شد؟

JKPrivateKabul110618: بله. از همونجه شروع شد باز اینه شرکت هم از همونجه شروع شد و چندین سال کار هم کردیم.

ک: چرا باز وسایل و اسباب برق ره انتخاب کردید؟

JKPrivateKabul110618: ما این طور بود که ما مسلکی نبودیم. چون او آدم پیش هم چندین کارخانه داشت و ده این باره بسیار مهارت داره و حالی هم ده همینجه هم ده پارک های صنعتی یک کارخانه ی ذوب آهن هم جور کرده، او بسیار آدم تخنیکی اس. به خاطری که او هیچ وقت او مه ره غلط مشوره نمیداد، و نه کتی ما غلط می کرد [با مه غیرصادقانه رفتار نمی کرد] ما مطمین بودیم که این آدم کتی ما این طور نمی کنه، از این خاطر ما شروع کردیم همین لینِ برق ره.

ک: فعلا چند موتر دارید؟

JKPrivateKabul110618: فعلا خو همی یک موتر داریم.

ک: چی مودل اس؟

JKPrivateKabul110618: اینمی 94 اس که چند اس. رنگش ده بیرون از بین رفته خو داخلش خوب اس. [خنده]

ک: حج هم رفته اید؟

JKPrivateKabul110618: نی صیب!

ک: سفر اگه به چکر می روید غیر کاری کجاها می روید؟

JKPrivateKabul110618: ما خو قریه ی ما قره باغ اس. اکثر همونجه قریه می رویم یک خانه داریم. سر همو کدام وقت کار هم می کنیم. باز وقت فارغ، روز جمعه، هر وقت از همینجه میریم همونجه و خلاص.

ک: بیرون از افغانستان؟

JKPrivateKabul110618: تا که به افغانستان آمدیم هیچ جای هم نرفتیم. موقع هم فراهم نشده. وقت نبوده چرا که ما از کار خود [باید] مطمین شویم. بعد از او نوبت این میرسه که مردم فکر کنه که کدام جای سفر کنه. این که تا هنوز موقع این نرسیده و وقت فراهم نشده و حالات هم نیست مساعد!

ک: چند باب خانه دارید؟

JKPrivateKabul110618: یک خانه داریم ده قره باغ. اینجه ده کابل ده کرایی هستیم.

ک: از دوست هایتان یک تصویری بتین؟ که ده کدام مشاغل هستند کی ها هستند چی رقم انسان هایی هستند؟

JKPrivateKabul110618: والله این ره بگویم برایتان که ما ده افغانستان به حساب نو هستیم. عمر ما تقریبا به 47 و 48 سال میرسه. اینجه خو نه اندیوال مکتب داریم و نه کدام دیگه قسم اندیوال داریم. همو قوم و خویشم اس. اونها با همی فکر و کار ما و با مشاغل ما طبعا کلش مخالف اس. چرا؟ چرا که ذهن ما که اس کار و باری اس، پر امن اس. ما تشدد ره بد می بینیم. و او مردم که اس، گر چه پیشتر شما شاهدش بودید که چند نفر آمده بود، این کلش یکی بچه ی کاکایم اس، دیگرش خویش هایم اس. اینها دیگه خوش دارند که تفنگ وردارند و به همی زروگیری کو و زمین مردم ره بگیر و یک قسم که روپیه اگه کار داری یک کسه بزن و بخور. خو ده این باره ما دیگه چیزی گفته نمیتانیم که اینجه ما شخصا بگوییم اندیوال هم نداریم. و ده این عمر کتی ما اندیوال هم جور نمیشه.

ک: همین که همراه دیگه صنعتکارها، مثلا همین که می روید به سونا، همراه کی می روید؟ تنها می روید؟

JKPrivateKabul110618: نی! او خو اکثر بچه هایمه کتی ما می باشه. و این که شریک ما می آیه. همو اندیوالی که پیش از تو رخصتش کردیم. ما اگه اندیوال هم داریم ما برت گفتیم که حالی ما او ره تجزیه کرده نمیتانیم. او که ده مورد ما چی فکر می کنه یا ما ده مورد او چی فکر می کنیم، این از مقیاس ما بیرون شده.

ک: همراه دیگه صنعتکارها ده اینجه رابطه دارید؟

JKPrivateKabul110618: بسیار.

ک: رابطه رفاقت؟

JKPrivateKabul110618: بله ها. رابطه رفاقت و دوستی و کار و بار ها! چرا که بسیار صنعت است که او چیزهایشه ما می گیریم. مثل پلاستیک اس. اوها هم هم یک شرکت اس و پلاستیک جور می کنه و ما می گیریم. همین طور بسیاری شرکت ها اس که لین ما ره می گیرند. همین مس ره که ما می گیریم. خو بسیار کارهای ما یک به دیگه مربوط اس. و بدون او ما که هر هفته اینجه جلسه داریم باز کمیته های علیده علیده داریم. لین برق که اس یک کمیته ی علیده داره. و خصوصا کارخانه ی لین برق. چرا که لین برق باز پایه هم می آیه گروپ هم می آیه، هولدر هم می آیه، ساکت ها هم می آیه. این شرکت هایش علیده علیده اس. باز شرکت های لین برق شش دانه، از اینها باز مسؤلش ده انجمن مه استم. منحیث مسؤل خود مه ره مقرر کرده اند.

ک: مسایل امنیتی چی گونه مسقتیما بالای تولید شما تأثیرگذار بود؟

JKPrivateKabul110618: بله! وقتی که جنگ ده افغانستان زیاد میشه او واقت کار بیخی تپ میشه [رکود می کنه] و هیچ نمیشه. و ما این طور وقت شده که بیست بیست روز سی سی روز هیچ چیزه هم نمی فروشیم. چرا که جنگ تیز میشه و ده هر قریه دور هم نفر شهید میره همو کلِ قریه سرگردان میشه. کسی که تعمیر جور می کنه او هم می مانه. کسی که ده اونجه مزدوری می کنه او از مردوری می مانه [به خاطر غمگساری] به جنازه میرند و اینها. به همین خاطر جنگ بسیار بد اس. بسیار بد تأثیرات بالای کار و بار و تولیدات افغانستان داره. واقعا بسیار بسیار زیاد.

ک: کدام وقتی شده که مستقیم بالای تولید شما ناامنی تأثیرگذار بوده باشه؟

JKPrivateKabul110618: بله بله! شده. همین حالی کارگرهای ما بیخی به سطح کم رسیده، چرا؟ همو موضوعِ جنگ اس. ما ده هلمند دکاندارها داشتیم که مال می بردند. همین طور ده تخار داشتیم، ده مزار داریم. همین صرف مزار شریف که اس دایمی اس [هنوز هم باقی مانده] دیگه از اون طرف که ما میگیم که برادر پیسه روان کو میگه که صد روپیه [نامفهوم] ده فلان ولسوالی جنگ اس، اونجه هم جنگ اس، اینجه هم جنگ اس. ما رفته نمیتانیم. باش که جنگ خلاص شوه. باز که به کندز زنگ می زنیم که بیادر پیسه چطور اس؟ میگه که بیادر ما رفته نمیتانیم. او راه بند اس، اینجه طالب اس و اونجه داعش اس، اونجه حکومت اس. کل راه ره بند کرده و ده خانه بند هستیم. پیسه ره از کجا بیاوریم؟

همین ده سرحدِ بد اس دیگه! وقتی که از اونجه پیسه نبیایه ما پیش برده نمیتانیم.

ک: سوال دیگر ده قسمت خود همین شرکت اس که شما تصمیم های کلان ره شما می گیرید و می روید ابلاغ می کنید؟

JKPrivateKabul110618: بله. یک مشکل کلان که اس که ما خود ما منشی هستیم، ما رییس هستیم، ما خود ما مالک هستیم. بلکه ما خود ما مزدور هم استیم. چرا؟ حالت این قدر ایجاب نمی کنه که به هر کار اینجه علیده علیده نفر بنشینه. چرا که تنخواه او شرکت داده نمیتانه. شرکت به جای این که پیش بره هر روز پس می آیه. و انتهایی کوششی که ما می کنیم همی اس که این شرکت ره ایستاد کنیم و پیش ببریم. و دعا می کنیم از خدا که کامیاب شویم.

ک: به کارگرها برعلاوه ی معاش دیگه چی خدماتی ارایه میشه؟

JKPrivateKabul110618: دیگه جای رهایشش سر ما اس.

ک: اینجه هستند [زندگی می کنند]؟

JKPrivateKabul110618: بله.

ک: از کابل نیستند؟

JKPrivateKabul110618: از کابل هم هستند. خو این طور اس که اینجه اکثر کار دو وقته میشه. و این مردم غریب هستند و اگه از دیگه سر کابل [از آن سوی کابل] هم هستند، تا همونجه تنخواهش نمیشه [که بره هر روز] شما خو کرایه ره خبر دارید که [بالا اس] و این بیچاره که تا اونجه بروه ده همو کل تنخواهش ده ماهی دو هزار برایش نمی مانه. او ره چی کنه. مجبورا اینها همینجه رهایش می کنن، نمیرن. خو بعضی مردم از جلال آباد هستن آنها هم رفته نمیتانن. این مردم بیچاره اس. دو دو ماه، سه سه ماه، خانه رفته نمیتانن. از این خاطر رهایشش سر ما اس. و خوراکش، حفاظتش، هر چیزش سر ما اس.

ک: روزی چند ساعت باز کار می کنن؟

JKPrivateKabul110618: روزی ما دوازده ساعت شفت داریم.

ک: رخصتی شان روز جمعه اس؟

JKPrivateKabul110618: بله روز جمعه اس.

ک: اینها شامل کدام اتحادیه یا کدام چیزی هم هستند یا به شکل انفرادی کار می کنن؟

JKPrivateKabul110618: نی. به خیال مه ده افغانستان این طور اتحادیه نیس که از مزدورها سرپرستی کنه.

ک: باز کس های که ده تصمیم گیری سهیم هستند کلشان از افغانستان هستند؟

JKPrivateKabul110618: ده شرکت؟ در مورد هر چیز تصمیم خود ما می گیریم. ده اینجه هیچ کسی دیگه مداخله نداره.

ک: با شرکت های دیگری که ده عین صنعت مصروف هستند هم رابطه دارید؟ ده قسمت دسترسی به مواد خام یا معلومات ده باره ی بازار با هم مشوره می کنید؟

JKPrivateKabul110618: بدبختانه ما یک سال [تصحیح] یک و نیم سال شد که ما دوش می کنیم [می دویم] و این انجمن ما که است، ده یک سال ما توانستیم که این ره یک دو دفعه تا دفتر انجمن صنایع بیاوریم [نشست برگزار کنیم].

ک: ده همی پارک های صنعتی هستند؟

JKPrivateKabul110618: بله. این که ما چندین بار برایشان گفتیم که بیادر بیایید ما برایتان یک کمیته ره جور می کنیم و ما برایت دوش ما می کنیم [تلاش ما می کنیم] پیش حکومت ما میریم، ده وزارت ها ما میریم، به ریاست ما میریم، جنگ ما می کنیم، خو شما پُشت ما ایستاد شوید. وقتی که کاغذ پیش رییس جمهور میره یا پیش وزیر میره، اگه صرف نام شرکت [نام شرکت] بالایش باشه قابل توجه نیس! این قدر توجه کس برایش نمی کنه. وقتی که ما 10 شرکت یکجا میشیم او قابل توجه هر وزیر و معیین می آیه. خو بدبختانه حاضر نمیشن که همراه ما بنشینن یا مشوره کنند. ما بسیار کوشش کردیم. با [نام شخص، رییس انجمن صنایع] معلوم اس. حتا که همین حق اولویت [حق العضویت] انجمن ره هم نمی آورد. این ره چندین نفرش آورده به زحمت مه. خو این طور اس که نمیشینن، کتی ما نمی شینن. کدام همکاری یا انگیزه ی یکجا شدن ندارند. این که علتش چیس [ به مه معلوم نیس] برملا مه چند بار گفتم که برادر شما اینجه ده دکان هایتان پت نشوید. ما می فهمیم که شما اینجه مال ایرانی ره جور می کنید! ما می فهمیم که مال ترکی ره جور می کنید. و ما پیش معین صاحب گفتیم که بیادر این از دست شما مردم اس که ما جعل‌کاری می کنیم. باز انجنیرهایشان [ده معینیت] انتقاد کرد که ما سرتیفیکت آی.س.او نداریم. خو گفتیم که از بازار از دکاندار که تو همو مال ره می گیری، همو سرتیفیکیتش ره دیدی مه ره نشان بته! همو دکاندار سرتیفیکت آی.اس.او ره داره؟! خو نداره. [گفتیم که] معین صاحب شما حق دارید که از ما سرتیفیکت آی.اس.او ره بخواهید، در صورتی که شما برنچ یا شعبه ی آی.اس.او ره اینجه داشته باشید! منحیث دولت لابراتوار و برنچ آی.اس.او پیش تان نیس! از ما می خواهید. ما [کی؟] یک تاجرِ اوسط. اوسط هم نی بلکه کم زور. ما چی قسم از لندن برویم برای تو چی بگیریم [سرتیفکت]. ما کجا داریم 15، 20 هزار دالر که سمپل کل اینها [تولیدات خوده] ره روان کنیم [برای گرفتن سرتیفکت]. وقتی که تو لابراتوار نداری ما هم سرتیفیکت نداریم. وقتی که تو لابراتواری جور کدی بگو! ما سمپل های خوده می آوریم و اگه مطابق بود ما ره لیسانس بته اگه نبود نته.

ک: پس رابطه ای بین شرکت ها وجود نداره و تنها رقابت دارید بین هم؟

JKPrivateKabul110618: ها رقابتی اس بله! هیچ! هیچ رابطه نیس.

ک: دولیت یک کدام نهادی برای شما ده اول مشوره داد که ده کدام بخش سرمایه گذاری کنید؟ یا کدام همکاری دیگر؟

JKPrivateKabul110618: ده حد گفتار بسیار چیز اس، ده عمل هیچ چیز نیس!

ک: ده همو اول که شما آمدید [از پاکستان] کدام کسی به شما مشوره داده که ده کدام بخش تولید کنید؟

JKPrivateKabul110618: نی نی! اینجه هیچ قسم این قسم نهاد نیس. ما گفتیم که یکی عمل اس یکی گفتار اس. ده گفتار اینجه بسیار چیزهایی پیدا میشه. که میگن. این که عمل به او ده 120 سال نمیشه دیگه [قطع]

ک: نهادهای غیرانتفاعی و جامعه ی مدنی چی؟

JKPrivateKabul110618: اصلا جامعه ی مدنی در باره ی کار و مشکلات مردم ما فکر نمی کنیم که او کدام پدیده ای اس.

ک: شما همراه محله ای که زندگی می کنید به خاطر کمک های عام المنفعه آیا مردم می آیه که از شما کمک بخواهه؟

JKPrivateKabul110618: ما همین طور اس که همو چیزهایی که از طرف دولت جور میشه خو کار دولت اس دیگه، جور می کنه. و این طور به نظر ما این طور بیادر ده همی کل کابل منفعت عامه ره ما چیزی ندیده ایم. خو به این نام ها، از فیسبک از تلویزیون به نام فعال مدنی یا فعالیت مدنی یک چیزی ره می شنویم. و این که چی اس و برای چی اس، ای ره خبر نداریم.

ک: این طور وقتی هم شده که ده این چندی سالی که اینجه فعال بوده اید که این طور احساس کرده باشید که همین آخر خط اس و بعد از این کار در اینجه باصرفه نیس و ماشین ها ره تصمیم گرفته باشید ده یک جای دیگری ببرید؟ پس ببرید پاکستان؟ این طور تصمیم گرفته اید کدام وقتی؟

JKPrivateKabul110618: نی. ده این مورد ما تصمیم نمی گیریم. همین که سر ما تیر شده و همو حالتی که 36 سال ما ده پاکستان تیر کردیم، تا اگه سه دفعه زنده شویم و پس ببریم، باز هم کدام جایی نمیرویم.

ک: چرا مثلا؟

JKPrivateKabul110618: چرا که همین هر چیزی که اس همین وطن مه اس. همین دولت ما اس. همین اگه خوب اس ما خوب هستیم. همی اگه خراب ما خراب هستیم.

ک: باز از لحاظ مالی اگه شرکت چندین ماه پشت به پشت نقصان کنه؟

JKPrivateKabul110618: شاید شرکت ره بند کنیم و دیگه کدام کار شروع کنیم. ولی ده این مورد یک دو، سه دفعه فکر هم کرده ایم. که [...] خو الحمدالله این طور اس که همت ره انسان باید از دست نته. ناکامی نیس ده زندگی. خو این که تجارب زندگی اس. کمی پیش میره، کمی پس می آیه. ده اینجه باید آدم حوصه و همت خوده از دست نته. ما همت ره نباخته یم. پیسه ره باخته ایم. ما همت داریم. ده این مورد تجربه داریم. ده این مورد ما کار کرده میتانیم. خو این طور اس که حالات [...] نه دولت توجه می کنه و این که از طرف بانکی که ده افغانستان اس او هم به شکلی قرضه میته که او قدر تو پیدا کرده نمیتانی که او از تو سود می خواهه! او به نام [نام کمک مالی] که اس، به هر نام که اس، به نام اسلامی اس یا به نام الزامی اس، چیزی ره که پس از تو می گیره تو او قدر پیسه پیدا کده نمیتانی. دیگه تضمین های این پیسه ره ای قدر بالا مانده که تو [مثلا] ده شهر کابل باید جایداد داشته باشی. ما که ده شهر کابل جایداد داشته باشیم پیسه ی تو ره چی کنیم؟ از همین خاطر اس که گفتم اینجه هیچ فعالیت مدنی نیس. هر کس به یک قسمی.

ک: ده کدام مرحله ای حاضر هستید که کار ره توقف بتین؟ با وجودی که میگین مشکلات زیاد اس اما چی باعث میشه که کار ره ادامه بتین؟

JKPrivateKabul110618: دیگه راهی نداریم!

ک: چرا؟

JKPrivateKabul110618: به دیگه کار سرمایه نداریم. ده همی کار بلد هستیم.

ک: این طور فکر می کنید که پیسه بند مانده؟

JKPrivateKabul110618: ها! مطلب اگه پیسه هم بند ماند و پسمان هم میشیم این طور اس که اکرا یک کار که آدم یک 10، 15 ال که کار می کنه اصلا ده او کار باز سرمایه ضرورت هم پیدا نمی کنه. این که مه سرمایه ی خوده از دست دادیم، الحمدالله اینجه ایقه همراه مردم کار کرده ایم و روش داریم [رابطه داریم] که ما کارخانه ره پیش برده میتانیم [ده یک صورت نی یک صورت].

ک: مسأله ی اوگرایی چی؟

JKPrivateKabul110618: او ره برایتان گفتیم که ما گفتیم توبه!

ک: او هم نقش داره ده این که کارتانه ادامه بتین؟

JKPrivateKabul110618: خو این طور اس که ما اوگرایی ره کرده ایم به مردم اینجه مردم افغانستان یک عادت داره که وقتی که مال مردم به دستش می خوره، فقط از خودش فکر می کنه. وقتی که به یک آدم ده لک روپیه ره تو سودا میتی، همو 8 لک اش ره می گیره خانه جور می کنه یا زمینه می خره، یا موتر می گیره سرش. فکر نمی کنه که این آدم صبا می آیه [آمدنی اس] و این ره می گیره. از این خاطر اس که ما کار اوگرایی ره هر روز آهسته آهسته کم کردیم.

ک: یک دلیلی که کارخانه ره فعال نگه کرده اید این هم میتانه باشه که اگه کارخانه بسته شوه، تمام پول های که پیش قراضدارها اس اونها می برند؟

JKPrivateKabul110618: بله. ها. دلیل خو همین اس. صحیح اس تاوان کرده ایم. همی حالی تقریبا 70، 80 لک روپیه پیسه ی ما پیش مردم بند اس. این یک سرمایه ی خرد نیس یک سرمایه ی کلان اس. چرا که ما اینجه یک کارخانه یک کوچک و یک کار و بار کوچک ره پیش گرفته ایم. کار ما سرش میشه. خو این که مردم پیسه ی ما ره قرض می کنه و نمیته مجبورا شرکت ما هم بند میشه و مال از بین میریم. این که چی میشه باز ده همو وقتش می بینیم که چی می کنیم و چی نمی کنمی.

ک: بازاریابی و فروشات؟

JKPrivateKabul110618: تقریبا ده کابل میشه. سایر ولایت ها اس.

ک: بیشتر؟

JKPrivateKabul110618: کابل اس، ننگرهار اس و درجه ی سوم مزار شریف اس.

ک: آخرین باری که بالای توسعه ی شرکت پول مصرف کردید کدام سال بود؟

JKPrivateKabul110618: این که ما این شرکت ره ده افغانستان جور کرده ایم دو سال شده و از همو چیزی که داشتیم همینجه بند کردیم. همو ره آهسته آهسته کم کرده میریم و دیگه توسعه ما پیسه ای نداریم که اینجه [مصرف کنیم].

ک: فیصدی مفادی که شما وضع می کنید بالای یک کالا چند فیصد اس؟

JKPrivateKabul110618: این تقریبا [مکث و تردید طولانی] سر متر تقریبا دو تا دو و نیم فیصد می اندازیم.

ک: مصرف مواد خام تان ده چی حد اس؟

JKPrivateKabul110618: این طور اس که از حساب روز ما تخمین کرده نمی توانیم. هر روز که یک تاجر می آیه، خواهش می کنه که این قدر ماله کار داره. به همو روز مواد خامشه تخمین می کنیم. او ره قیمتشه می کشیم. برایش میگیم که بیادر از حساب متر این قدر اس. اگه جور می آیه ما سرش کار شروع می کنیم. اگه نمی آیه دیگه کار نیس.

ک: مواد خام ره [قطع]

JKPrivateKabul110618: بله به همو روز می خریم.

ک: مواد خام ره از کجا می خرید؟

JKPrivateKabul110618: از همینجه پارک های صنعتی.

ک: مس ره از کجا پیدا می کنید؟

JKPrivateKabul110618: پیشتر برایتان گفتیم که اینجه ده افغانستان هیچ شرکتی وجود نداره که همین چند چیز که ده ددنیا اس. و حتا دولت افغانستانه هم ما گفتیم برایش چند دفعه که دولت افغانستانه به پای خود ایستاد می کنه. خو این طور اس که این مردم طرف صنعت توجه نداره. این که چور چورکان اس، چقدر از الماری زید، چقدر از عسکر زدی، اینها فکر کار ندارن.

ک: از اقلام تولیدی تان کدام موادهای خام ره از داخل می گیرید؟

JKPrivateKabul110618: ما تقریبا کل چیز ما از داخل افغانستان اس.

ک: مس؟

JKPrivateKabul110618: این مس که اس ما کهنه ره می گیریم و او ره پس رینیو [renew] می کنیم.

ک: ریساکل می کنید؟

JKPrivateKabul110618: بله، ریسایکل کس. و از او کار می گیریم. و این که این مس از کجا می آیه [معلوم نیس]. افغانستان مس داره ماشینش نیس که این ره پاک کنه. کار دولت اس! چرا مس ما به چین میره؟ به حساب ده روپیه ده کیلو میته پس سر ما 500 می فروشه.

ک: مسی که ریسایکل می کنید این ره دیگه کس برای شما می فروشه؟ دیگه تجار اس که می فروشند؟

JKPrivateKabul110618: بله. این چندین مردم اس که همین کارش اس. از علیده علیده جایش برایشان معلوم اس. آنها جمع می کنن و پیش ما میاره و ما علیده اینجه ریسایکل می کنیم و باز دوباره جور می کنیم.

ک: ده جمع مواد مصرفی تان فیصدی مواد خامی که از داخل می گیرید تا فیصدی مواد خامی که از بیرون می آیه، ده چی حد اس؟ چند فیصدش داخلی اس؟ مثلا از پارک های صنعتی چی چیزهایی ره می خرید؟

JKPrivateKabul110618: اصلا این که ما هر چیزی ره که از افغانستان هم می گیریم اینها هم خارجی اس. ما می گیریم از داخل افغانستان اما او تاجری که می آوره او از پاکستان، از چین از ایران از کوریا می آورند.

ک: چی چیزی مثلا؟

JKPrivateKabul110618: برایتان گفتیم که دی.او.پی اس که از ایران و از پاکستان می آیه. یک مواد آبی اس که حجم دهنده اس. همین طور ریزن اس. او هم یک پودر اس که بدون او تقریبا همین پوش که جور میشه، همین دو مواد که یکجا میشه، بعد از او برای این رنگ به کار اس. شما رنگ سرخ، سیاه یا سفیده کار دارید، تغییرش ده رنگ اس. سوم در این مواد کلسیم اس که از سنگ افغانستان جور میشه. اینجه شرکت هایش هم الحمدالله 5، 6 دانه جور شده. صنعتش اینجه جور شده ولی به او کیفیتی تا هنوز نرسیده. اگر چه ما می گیریم از همین کار می گیریم. انتهایی همراه این مردم کوشش می کنیم که این مشکلاتش اس که اصلاح شوه [مواد تولیدی شان]. و یک همی چیز اس که از سنگ افغانستان هم جور میشه و از همیجه اس و ماشین هایشه هم مردم از چین و پاکستان آورده اند و همینجه شرکت هایش جور شده. دیگه هر چیز که اس از خارج اس.

ک: پوش لین و؟

JKPrivateKabul110618: پوش لین خو از همین موادی که گفتی از دی.او.پی، ریزن و کلسیم و از همین چند مواد اس که مکس میشه و از همین پوش کشیده میشه. و این طور هم میشه که مه یگان وقت که لین خوبه پیدا می کنیم، مردم که مس اش ره می کشند، ما پوش لین ره دوباره می گیریم، او ره پس ریسایکل می کنیم. دوباره از او پوش جور می کنیم.

ک: این فابریکه های کلسیم که گفتید ده همین اواخر تأسیس شده اند؟

JKPrivateKabul110618: ها تقریبا برای مه که معلوم اس یک تا یک و نیم سال اس که اینها تأسیس شده اند.

ک: تقاضا بود از این خاطر؟

JKPrivateKabul110618: تقاضا بسیار زیاد اس! کلسیم یک مواد اس بیادر که این از مواد خوراک گرفته تا همی هر چیز، پیپ، لین برق، الماری، و چیزی که حجم جور می کنه، او کلسیم اس. ده همی مواد خوراکی هم اس. تقاضای از او بیخی زیاد اس. تولیدش هم زیاد مشکل نیس، سنگ اس!

ک: سرمایه ی غیرقابل انتقال شما ده چی حد اس؟

JKPrivateKabul110618: اینجه خو زمین کرایی اس.

ک: چند کرایه می دهید ؟

JKPrivateKabul110618: چی بگویم دیگه!

ک: مه قبلا کسی ره شنیده ام که کسی 1800 کرایه میته کسی 1600 کرایه میته.

JKPrivateKabul110618: خو اینجه ده حال روزه شیشته ایم دروغ گفته نمیتانیم، ای ره خو ده کرایه ما ده هزار افغانی نوشته کرده ایم. در حالی که ده ده هزار افغانی کسی ده دهن دروازه هم ایستادن نمی مانه. کرایه ی اینجه 900 دالر اس. خو یکی که او مردم [کس های که کرایه داده اند] کتی ما قبول نمی کرد که اگه تو ده حکومت 900 دالر گفتی ماهی 90 هزار سر مه تکس می آیه، این ره کی میته [آنها گفتند]؟

ک: دیگه چیزهای که غیرقابل انتقال باشه؟

JKPrivateKabul110618: غیرقابل انتقال خو هیچ چیز هم پیش مه نیس. هر چیز ما منتقل میشه. خو یک همی برقی که همینجه گرفته ایم همین شاید بانه. یا همی کاره ده همین شرکت که کرده ایم، همی دفتر و همی چیزها ره [قطع]

ک: چقدر مصرف کردید ده اوایل؟

JKPrivateKabul110618: این ره تقریبا 5، 6 لک روپیه شده.

ک: افغانی؟

JKPrivateKabul110618: بله.

ک: ماشین آلات به درد یک نوع تولید می خورند یا؟

JKPrivateKabul110618: نی. بدون این که ذوب آهن ببری و سیخ گول ازش جور کنی به درد هیچ چیز دیگه نمی خوره.

ک: بازاریابی رو در رو اس یا تکنولوژی؟ این طور هم شده که کسی ره شما ندیده باشید و از طریق تلیفون یا انترنت همراهش معامله کرده باشید؟

JKPrivateKabul110618: ها بسیار شده. دایم این طور اس که کسی از بامیان برای [مثلا] پیسه روان می کنه یا ده پلخمری اس [قطع]

ک: اولین دفعه ی که با چنین آدمی وارد معامله شده اید [قطع]

JKPrivateKabul110618: با تلیفون شده ایم. از طریق فیسبک و انترنت و وتسپ و تلیفون. چرا که ما سایت داریم ده فیسبک. از همونجه نمبرهای ما ثبت اس. هر کس میتانه ببینه. او وقت که ما پروموشن می کنیم او ره او باز که می بینن، یک هزار مردم زنگ می زنن که چی داری چی نداری.

ک: باز چطور اطمینان می کنید؟ اونها پیش پرداخت می کنند؟

JKPrivateKabul110618: این طور اس که نام شرکت ما و شرکت ما الحمدالله به مردم کاری نامش معلوم اس. از مارکیت هم پرسان می کنن که به این نام کسی اس نیس. از هر طریقی که اس شاید اونها اطمینان خوده کرده باشند. اگه نی هیچ کسی به نام غیب پیسه به اکونت کسی نمی اندازه. و همین اکونتی که به نام شرکت اس، به نام شخصی مه نیس. و این که بانک به نام شرکت یک اکونت جور کرده [همین خود نشان میته که یک شرکت] لیسنس داره، جواز دار، او از یک آدرس نامعلوم اکونت ره جور کرده نمیتانه.

ک: منظورم این بود که شما چطور بالای آنها اعتماد می کنید؟ تضمین می گیرید باز تولید می کنید؟

JKPrivateKabul110618: نی نی. یک دکاندارهای اس که شخصا ما او ره می شناسیم. این که به تلیفون می آیه، او اول پیسه جمع می کنه باز [قطع]

ک: تضمین میته؟

JKPrivateKabul110618: [بله] تضمین میته. مطلب کتی او اگه ما 2 لک افغانی قرارداد می کنیم ده تلیفون او ره میگیم که بیادر یک لک یا 50 هزار روپیه اش ره روان کو.

ک: نوآوری؟

JKPrivateKabul110618: این طور اس که همین کوشش خو بسیار زیاد می کنیم که همی کارهای خوده تغییر بتیم و این ره پیش ببریم. خو این نسبت به حالت افغانستان اس. اگه حالات دولت خوب میشه [قطع]

ک: مثلا آخرین باری که ده تولیدات تغییرات آوردید کدام سال بود؟

JKPrivateKabul110618: همو 2016 بود که از اونجه کوچ کردیم و نیک بختانه بگوییم یا بدبختانه بگوییم اینجه آمدیم. همین آخرین تغییر [...] ها! تغییر بسیار آمده و ما همین کارخانه ره که آوردیم ده فکرت باشه که او وقت صرف لینِ آنتن ره جور می کردیم. ده تلویزیون که می زنن از آنتن نی؟! همو لین ره جور می کردیم. آهسته آهسته باز ما همی لین سولر ره شروع کردیم. از همی سولر گرفته آهسته آهسته به لین برق داخل شدیم. این طور الحمدالله بسیار سفر کرده ایم. همین اکثر نقصانات ما همی اس که ما سر چیزهای نو نو تجربه می کنیم و به خاطر او اینجه انجنیرها ره آوردیم و [قطع]

ک: خودتان مسؤل نوآوری استید؟

JKPrivateKabul110618: بله [ادامه] کارگاه ره آوردیم، انجنیر ره آوردیم، مصارف او ره دادیم، موادی که سر او چیزهایش بود اونها ره انداختیم. الحمدالله نسبت به پیش بسیار پیشرفت کرده ایم.

ک: چطور مقایسه می کنید بین اینجه و پاکستان وضعیت تان ره، اونجه بهتر بود یا اینجه؟

JKPrivateKabul110618: مقایسه از چندین طرف اس [چندین بعد داره]. این که نظر شما از کدام طرف اس ما نمی دانیم. این اس که از حالت امنیت، و اثرات انسانی مردم، پاکستان چندین بار خوب بود. خو اونجه مردم سر یکی دیگه اعتماد می کرد. اونجه مردم ده کمین این نبود که انجنیر صاحب [مثلا] ده بوجی ریزن ره بگیره و بروه پشت کارش [دزدی کنه]. او که ده بوجی ره از پیشت می برد صبا پیسه اش می آورد. همین قدر بود که شو او ماله می کشید، پیسیته تو ره میداد و فایده ی خوده ده جیب خود مینداخت و وضعیت بسیار انسانی بود. او مردم ده تمدن و ده بشریت از هر چیز از هر لحاظ از ما پیش هستن. تعلیم یافته هستن. اونها حوصله دارن. صبر دارند. قناعت می کنن. گپه می شنوند. و این طور نیس که صرف او خودش گپ بنزه. اگه می گویه می شنوه هم. قناعت هم می کنه. وقتی که یک شخص قناعت کد مشکل پیش نمی ایه.

ک: چند ساعت ده روزی کار می کنید؟

JKPrivateKabul110618: خود ما خو 24 ساعت.

ک: خو نمی کنید پس؟

JKPrivateKabul110618: خو خو می کنیم چرا نمی کنیم. خو هم که یک دو دانه گولی نخوریم خو نمی آیه. تقریبا 12 ساعت صبح. 7 بجه که اولادها مکتب میره همو وقت و شب 7 بود 8 بود یا 9، هر وقت که طبیعت ما شد، میرویم. پابند نیستیم. 3 بجه رفتیم 4 بجه رفتیم. خو اکثرا نماز شام ره اینجه می خوانیم بعد از او می رویم.

ک: از پول شرکت ده بخش های غیرتولیدی سرمایه گذاری کرده اید؟

JKPrivateKabul110618: نی. همین قدر که خوردیم همین قدر که خرج کرده ایم همین ره ده دو سال طرف فایده چیزی ره ندیده ایم و ده نقصان هستیم و ده این مورد ما به انجمن هم گپ زدیم باز او بانک اسلامی گفت که امده بوند که قرض میتیم. ما که شرایطش ره خواندیم گفتیم که ما این قرض ها ره کار نداریم!

ک: سلام باشید!

JKPrivateKabul110618: تشکر زنده باشید!